

نگره

آینده ایران در خاورمیانه پر آشوب چگونه خواهد بود؟

منطقه خاورمیانه و به طور خاص غرب آسیا در روزهای اخیر شرایط متشنج و پر آشوبی را تجربه کرده است. در این راستا، جدا از تداوم یافتن جنگ غزه و گذار آن از ۱۰۰ روزگی، شاهد تشدید تنش ها در مرز های مشترک اراضی اشغالی و جنوب لبنان، افزایش حملات موشکی و پهپادی گروه های مقاومت عراقی و سوری به پایگاه های نظامی آمریکا و همچنین عمق اراضی اشغالی، تجاوز آمریکا و انگلیس به یمن و متقابلا افزایش تحرکات انصار ا... یمن در دریای سرخ و تنگه باب المندب و هدف قرار دادن کشتی های آمریکایی و البته حملات موشکی و پهپادی ایران به اقلیم کردستان عراق (مقر های موساد و عناصر وابسته به آن) و استان ادلب سوریه (مقر های تروریست های داعشی و تکفیری) و البته مقر های گروه تروریستی در پاکستان بوده ایم. روز نشبه نیز در پی حمله هوایی جنگنده های رژیم صهیونیستی به دمشق، مستشاران نظامی ایران به شهادت رسیدند و یک پهپاد اسرائیلی نیز خود رویی را در جنوب لبنان هدف حمله قرار داده است. مجموع این شرایط سبب شده اند تا بسیاری از ناظران و تحلیلگران مسائل راهبردی، این مساله را مطرح می کنند که روند آتی معادلات و درگیری هادر منطقه غرب آسیا و البته کلیت خاورمیانه چگونه خواهد بود؟

هفتم اکتبر؛ نقطه عطف قابل تامل

تردیدی نیست که ریشه اصلی تمامی تحولات جاری در منطقه غرب آسیا، به عملیات هفتم اکتبر جنبش حماس باز می گردد. عملیاتی که ضربه و شوکی جدی را به اسرائیل وارد کرد و در نقطه مقابل آن، رژیم اسرائیل برای اینکه آبرو و اعتبار منصور برای خود را اعاده کند، حمله ای سرسری را به نوار غزه در دستورکار قرار داد که البته هنوز ادامه یافته و براساس داده های موسسه حقوق بشری (دیده بان اروپا و مدیترانه)، تاکنون موجب کشته، معرورج و مفقود شدن بیش از ۱۰۰ هزار فلسطینی شده است. اسرائیل در پاسخ به عملیات هفتم اکتبر، به طور خاص از «منطق تناسب» در معادلات جنگی پیروی نکرده است. یعنی معادل با آسیب ها و خسارات جانی که به آن وارد شده بود، درصدد وارد کردن خسارت به طرف مقابل برنیامد و عملیای نسل کشی و حمام خون را در نوار غزه به راه انداخت. دلیل این مساله نیز روشن است؛ اسرائیلی ها تا حد زیادی این درک را پدید آورده اند که عملیات هفتم اکتبر، به نوعی در صدد ساقط کردن معادله موازنه قدرتی است که آن ها سال ها در قالب آن، خود را به مثابه قدرت و بازیگر برتر و مسلط می دیده اند و گویی به شرایط کنونی، از یک بازیگر مسلط، به یک کنشگری ضعیف و حاشیه ای تبدیل شده اند. مساله ای که با توجه به ماهیت پر تنش بقا و حیات اسرائیل، می تواند در ادامه راه بحران وجودی برای آن را به مرحله ای حادث تر برساند. از این رو، اسرائیل سعی دارد با حذف و نابودی جنبش حماس و گروه های مقاومت فلسطینی در نوار غزه، به نوعی ورق بازی را برگرداند و آبروی اد دست رفته خود را احیا کند.

نقطه حیاتی اصطکاک کجاست؟

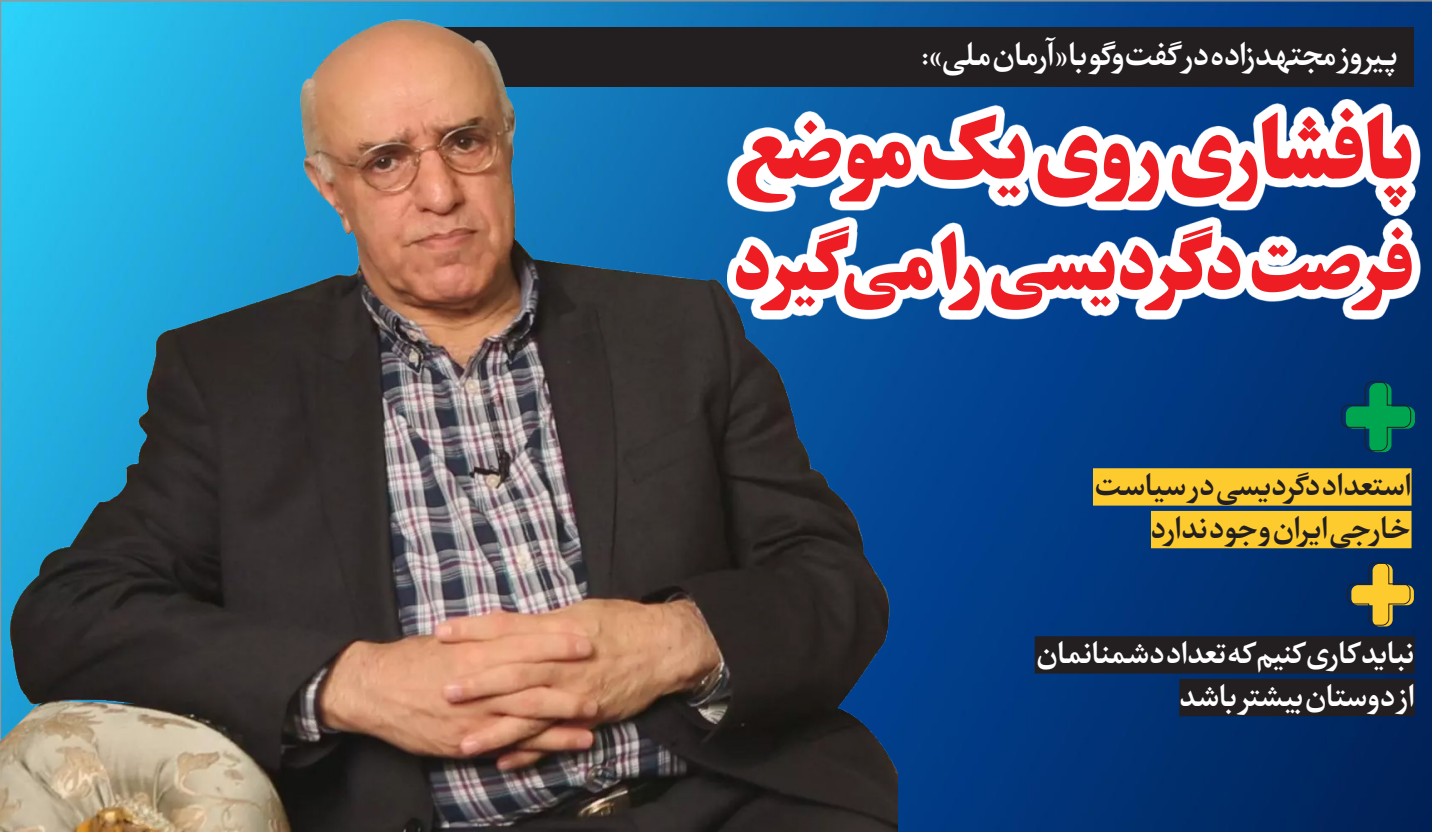
در قالب برنامه اسرائیل برای حذف جریان مقاومت فلسطین، یک چالش اساسی مطرح است و آن این مساله است که محور مقاومت از منطقه، این درک را درازند که اگر گروه های مقاومت فلسطینی آسیب جدی ببیند و با تهدید وجودی روبه رو شوند، دیر نخواهد بود که رژیم اسرائیل ذات توسعه طلب خود را در تقابل با آن ها نیز به نمایش خواهد گذاشت و این مساله چالش های عدیده ای را به ویژه از حیث امنیتی برای آن ها ایجاد خواهد کرد. این همان نکته ای است که مسئولان ارشد حزب... لبنان نظیر «سید حسن نصر...» نیز بارها به آن اشاره کرده اند و تاکید داشته اند که کنشگری فعال حزب... در جوار مرزهای فلسطینی اشغالی، با هدف خراست از آینده لبنان و مقابله با طرح های توسعه طلبانه دشمن اسرائیلی در دستورکار قرار گرفته است. دیگر کنشگران حاضر در محور مقاومت نیز یک چنین درکی دارند و به همین دلیل شاهدیم که گروه های مقاومت عراقی و سوری و به ویژه یمنی توقف حملات اسرائیل به نوار غزه را به یک اولویت مهم و راهبردی برای خود تعریف کرده اند. ایران نیز به تازگی با شلیک موشک های خود به فاصله ای در حدود ۱۲۰۰ کیلومتر دورتر از مرزهایش، به نوعی این پالس معنادار را به طرف اسرائیلی رساند که تداوم جنگ و تنش آفرینی می تواند صورت حساب های سنگینی را روی دست این رژیم بگذارد.

آینده ایران در منطقه پر آشوب خاورمیانه چه می شود؟

محور مقاومت از همان نخستین روز های آغاز جنگ غزه، اقدامات مختلفی را انجام داده اند تا روند حملات اسرائیل به غزه را متوقف سازند. با این حال، تمامی اقداماتی که تاکنون انجام شده، نتوانسته اند به تحقق این هدف ختم شود. در همین راستا نیز شاهدیم که ایران به تازگی بر شدت کنشگری های میدانی خود افزوده و سعی دارد پالس های هشدار عینی تری را به ویژه به طرف اسرائیلی برساند با این حال، آینده خاورمیانه تا حد زیادی به آینده نکته غزه گره خورده است. حداقل یکی از پیام های عینی عملیات هفتم اکتبر و تحولات پس از آن برای خاورمیانه این بود که تا مدتی منطقه در جنگ و تنش خواهد بود. در این فضا، میانجیگران بین المللی از قدرت و تاثیرگذاری چندانی برخوردار نیستند و هر لحظه امکان انفجار درگیری ها در سطح منطقه وجود دارد. در چنین فضایی، کنش فعال از حیث نظامی و امنیتی، از جمله گزینه هایی است که ایران در قالب آن الزام به اقدام موثر دارد. توجه داشته باشیم که گزینه اوج گیری تنش ها در سطح منطقه و حتی تقابل مستقیم ایران با اسرائیل و دیگر قدرت های غربی، یک گزینه مطلوب برای اسرائیلی ها است. اسرائیل با انجام اقداماتی نظیر تروور شهید سید رضی موسوی و یا به تازگی، تروور مستشاران عالی رتبه سپاه قدس در سوریه و همچنین انجام اقدامات خرابکارانه و تروریستی نظیر تروور صالح العاروری نفر دوم جنبش حماس، عملیاتی پیام را می رساند که بی پروا به دنبال تشدید تنش ها است و اساسا این مسیر را تنها مسیر بقا و تثبیت همومنی ادعایی خود می داند. از این رو، گزینه برخورد با ایران برای آن ها به یک گزینه عینی تر تبدیل شده است. درست به همین دلیل است که تاکنون شاهد بوده ایم برخی مقام های کشورمان تاکید کرده اند که ایران در دام اسرائیل و نقشه های آن برای یک جنگ گسترده تر نخواهد افتاد.

پیروز مجتهدزاده در گفت و گویا «آرمان ملی»:

پافشاری روی یک موضع فرصت دگردیسی را می گیرد



استعداد دگردیسی در سیاست

خارجی ایران و جود ندارد

نیاید کاری کنیم که تعداد دشمنانمان از دوستان بیشتر باشد

آرمان ملی - احسان انصاری: چرا سیاست خارجی ایران در طول دهه های گذشته دچار دگردیسی نشده است؟ این سوالی کلیدی است که در همه دولت های پس از انقلاب اسلامی مطرح شده اما هنوز بی جواب مانده است. سیاست ورزی دولت های پس از انقلاب در عرصه بین المللی در دولت های مختلف شکل متفاوتی داشته است. به عنوان مثال میزان تنش ایران با کشورهای منطقه و جهان در دولت اصلاحات در پایین ترین و در دولت احمدی نژاد در بالاترین میزان خود قرار داشت. کار دولت احمدی نژاد در عرصه بین المللی به جایی رسید که پرونده ایران در آستانه ورود به ماده هفت سازمان ملل و شکل گیری یک جنگ تمام عیار نظامی قرار گرفت. از سوی دیگر سیاست خارجی ایران در طول سال های گذشته پیش از آنکه ایجابی و تفاهمی باشد سلبی و تقابلی بوده است. رویکردی که شاید در دهه ابتدای انقلاب با توجه به فضای انقلابی کنشگری طبیعی به نظر می رسد. اما ادامه آن به مدت چهار دهه زیاد علمی به نظر نمی رسد. این در حالی است که در دولت ابراهیم ریسنی نیز همان روند گذشته در حال ادامه یافته است و تغییری در آن ایجاد نشده است. نتیجه این وضعیت نیز افزایش تنش با کشورهای منطقه و جهان بوده است. به همین دلیل «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوع با دکتر پیروز مجتهدزاده، تحلیلگر روابط بین الملل گفت و گو کرده است که در ادامه می خوانید.

رویکردی که جمهوری اسلامی در سیاست خارجی دنبال می کند با چه چالش ها و فرصت هایی برای ما همراه بوده است؟

چرا در دهه های گذشته ما نتوانسته ایم مبنای سیاست خارجی خود را بازتولید کنیم؟

پس از پیروزی انقلاب اسلامی کسانی رویکرد سیاست خارجی را تدوین کردند که در کار خود حرفه ای نبودند. این در حالی است که ما در گذشته دارای دیپلمات های کارکشته و حرفه ای بودیم. کسانی که سیاست خارجی کشور را طراحی کردند این سیاست ها را مبتنی بر واقعیت ها طراحی نکردند، بلکه براساس ایده آل ها و آرمان هایی که در نظر داشتند این کار را انجام دادند.

نکنه دیگر اینکه این افراد براساس ایدئولوژی که داشتند علیه برخی کشورها اطلاعات جمع کردند و این کشورها را در لیست سیاه خود قرار دادند که نباید با آنها ارتباط برقرار کرد. جمع آوری این اطلاعات نیز در راستای آرمان ها و اهدافی بود که پس از انقلاب برای خود طراحی کرده بودند و زیاد با واقعیت های بیرونی انطباق نداشت. در این مقطع زمانی مفهوم «انقلابی بودن» ملاک و معیار رویکرد سیاست ورزی در عرصه بین المللی قرار گرفته بود. در نتیجه کار از دست متخصصان و کسانی که از دانش کافی در زمینه بین المللی برخوردار بودند خارج شد و به دست کسانی افتاد که آرمان های خود را به صورت ایده آل دنبال می کردند. در این مقطع زمانی دکتر نبی صدور انقلاب اسلامی به دیگر کشورهای منطقه در دستور کار جمهوری اسلامی قرار گرفت. هدف اصلی این رویکرد نیز حمایت از مستضعفان جهان اعلام شد. در نتیجه در ابتدای پیروزی انقلاب ایده آل ها به جای واقعیت ها قرار گرفت. نکته قابل توجه اینکه دقیقا از همین نقطه بود که قطار سیاست خارجی از روی ریل واقعیت ها خارج شد.

با توجه به اینکه پس از انقلاب دیپلمات های زیادی تربیت شدند باید شرایط به سمتی می رفت که افراد متخصص تر در سیاست خارجی مورد استفاده قرار بگیرند.

چرا در عمل چنین اتفاقی رخ نداد؟

در این زمینه از یک طرف افراد مقصر بودند و از طرف دیگر رویکردها و سیاست گذاری ها دارای اشکال بود. اگر سیاست گذاری ها صحیح بود و متولی حرفه ای داشت هنگامی

که یک وزیر امور خارجه برخلاف منافع کشور رفتار می کند مورد بازخواست و تنبیه جدی قرار می گرفت. در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد کنایه در کشور منتشر شد که حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه ایرانی را زیر سوال برده بود. بنده در همان زمان در نامه ای به مجلس شورای اسلامی شکایت کردم و خواستار برخورد جدی با مسببین چاپ این کتاب شدم. بدون شک اگر رئیس جمهور و وزیر خارجه از تخصص کافی در زمینه سیاست خارجی و تحولات ژئوپلیتیک برخوردار بودند هیچ گاه اجازه چاپ چنین کتابی را نمی دادند.

چرا سیاست گذاری ها در سیاست خارجی کشور اصلاح نشد؟

کسانی در زمینه سیاست خارجی کشور سیاست گذاری می کردند که گمان می کردند دو دوتا می شود پانصد. این در حالی است که در سیاست خارجی همه چیز باید مبتنی بر واقعیت و بدیهیات باشد. انتخاب برخی رویکردها از ابتدا اشتباه بود و به مرور زمان نیز اصلاح نشد. هنگامی که رویکردی از ابتدا اشتباه انتخاب شود اصلاح آن کار ساده ای نیست. ضمن اینکه اراده ای نیز برای اصلاح این رویکردها وجود نداشت. در نتیجه اشتباهات سیاست خارجی ما روز به روز بیشتر شد دست کسانی افتاد که آرمان های خود را به صورت ایده آل دنبال می کردند. در این مقطع زمانی دکتر نبی صدور انقلاب اسلامی به دیگر کشورهای منطقه در دستور کار جمهوری اسلامی قرار گرفت. هدف اصلی این رویکرد نیز حمایت از مستضعفان جهان اعلام شد. در نتیجه در ابتدای پیروزی انقلاب ایده آل ها به جای واقعیت ها قرار گرفت. نکته قابل توجه اینکه دقیقا از همین نقطه بود که قطار سیاست خارجی از روی ریل واقعیت ها خارج شد.

هاشمی رفسنجانی تلاش کرد چهره معتدل و رو به توسعه ای از ایران به جامعه جهانی نشان دهد و به همین دلیل تلاش کرد رویکرد مثبت و سازنده در روابط ایران و کشورهای مختلف جهان در پیش بگیرد. هاشمی به خوبی این مساله را تشخیص داده بود که کلید حل بن بست روابط خارجی ایران با کشورهای منطقه و جهان عربستان سعودی است.

در این زمینه از یک طرف افراد مقصر بودند و از طرف دیگر رویکردها و سیاست گذاری ها دارای اشکال بود. اگر سیاست گذاری ها صحیح بود و متولی حرفه ای داشت هنگامی

دوشنبه

۱۴۰۲ ۰۱ ۰۲

سال پنجم شماره ۱۷۵۲

۱۰ رجب ۱۴۴۳ / ژانویه ۲۰۲۴

armanmeli.ir

یادداشت

ملاحظات روسیه، مورد توجه ایران



بهرام امیراحمدیان

تحلیلگر مسائل بین الملل

جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود نسبت به جمهوری های آسیای مرکزی و قفقاز، منافع ملی خود و قدراسیون روسیه را در نظر گرفته و بیشتر این مناطق را طبق مفاد سیاست خارجی روسیه به عنوان حیاط خلوت روسیه مورد ملاحظه قرار داده است. در حالی که چین در آسیای مرکزی از نظر اقتصادی اغلب فضاهای منطقه را اشغال کرده و موجب شکل گیری اقتصاد آنان بر محور چین و شرق آسیا شده و فضاهای اقتصادی روس محور را به نفع خود کاهش داده، ایران در این زمینه در سایه ملاحظات دوستی با روسیه از این منظر موفقیت کمی داشته است. هراس روسیه از حضور ایران در این مناطق بیشتر به سبب اسلام سیاسی است که چین بری از آن است. بنابراین روسیه سعی داشته است در فضای تحریم های ظالمانه غرب علیه ایران (که روسیه و چین هم در پایه گذاری آن سهم داشته اند)، توسعه روابط منطقه ای ایران در محور شمال - جنوب (مستقیم بین ایران و روسیه) را شکل دهد که از پیوستن به محورهای شرقی - غربی مانع شود. حال آنکه همه زیرساخت های ارتباط زمینی (جاده ای و ریلی) در این کریدور فراهم و آماده کار است (هرچند در مسیر ریلی با کارشکنی های ترکیه در دریایچه وان روبه روست و شاید مورد پسند روس هاینز باشد)، هنوز در چارچوب این ابتکار بهره برداری نمی شود. می دانیم که از زمان امضای کریدور شمال - جنوب بین سه کشور روسیه - ایران - هند که در سال ۲۰۰۰ در سنت پترزبورگ امضا شد (همان زمان شبکه ای کریدور روسیه محور بود و شاید کمی دوری استراتژیک به زعم روس ها)، کارایی چندانی نداشت و به بهانه تحریم ایران از سوی غرب، هم از طرف هند و هم روسیه توجه چندانی بدان نمی شد و کارایی نداشت. تحریم غرب علیه روسیه بعد از درگیری با اوکراین در سال ۲۰۲۲ موجب توجه بیشتر روسیه به این کریدور شده است. هنگامی که ایران تحولات کریدور شمال - جنوب را دنبال می کند از محور شرق - غرب چین، که همان «ابتکار کمربند راه» چین است، که در منطق اتصالی به اروپا در راه ابریشم قدیم است، باز می ماند. برای نمونه «کریدور اقتصادی چین - آسیای مرکزی - آسیای غربی» از بین شش کریدور اقتصادی این ابتکار که برای عبور از ایران طراحی شده، هیچگاه عملیاتی نشده است. حتی بعد از تحریم روسیه و مسدود شدن «کریدور اقتصادی پل نوین زمینی اوراسیا» که به تیرین، گارآمدترین و سهیل ترین کریدور فعال برای برقراری ارتباط زمینی چین با اروپا از طریق روسیه بود، چنین از کریدور اقتصادی «چین - آسیای مرکزی - آسیای غربی» بهره نمی گیرد. منطق چین ارتباطات مداری شرقی - غربی است و چینیان نگاه ایران منطق شمالی - جنوبی و نزدیکی با روسیه است. از آن نگرش دوری می ماند. طبیعی است که در محور شرقی - غربی چین از یک سو و اروپا از سوی دیگر قرار دارند. حتی در «کریدور حمل و نقلی اروپا - قفقاز - آسیای مرکزی و آسیا» (کاسکا این نگرش دنبال می شود که شرق و غرب با یکدیگر در ارتباط باشند و با وجود عضویت ایران در این کریدور (که تنها شاخه جنوبی و تقریباً غیر فعال آن است) جمهوری اسلامی ایران نتوانسته است از سهم قابل توجهی از زیر ساخت های ترانزیتی مناسب خود بهره مند شود. با عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا (با محوریت روسیه)، سازمان همکاری های شانگهای (با محوریت روسیه و چین، و بریکس (بازهم با محوریت روسیه و چین) هنوز راه زیادی در دسترسی ایران به اهداف توسعه منطقه ای خود دارد. در منطقه قفقاز به ویژه پس از جنگ ۴۴ روزه جمهوری آذربایجان علیه ارمنستان و بازپس گیری سرزمین های اشغالی قره باغ و بیروان، روابط ایران با ارمنستان و جمهوری آذربایجان درگزن بوده است. روسیه بازیگر عمده سنتی و تاثیرگذار منطقه در کنار ترکیه، هر یک که دنبال کسب منافع اکثرتی خود هستند و فضای بازی جمهوری اسلامی ایران را می خواهند تنگتر و به نفع خود مصادره کنند، روسیه با درگیری در اوکراین بیشتر آمال و آرمان های خود در قفقاز را فدای جنگ با اوکراین کرده و از دور نظاره گر و از نزدیک در حال تاثیرگذاری است. ارمنستان هراس از رویگردانی از روسیه به سوی بازیگران خارج از منطقه (فرانسه در اروپا و هند در آسیا) کشیده شده و در هراس از قدرت گیری جمهوری آذربایجان با پشتیبانی ترکیه و تهدید تمامیت ارضی خود، چه از طریق احداث دالان به اصطلاح رنگه زور و چه حمله نظامی برای جاکردن بخش جنوبی خاک خود در مرز با ایران، گاه به ایران و گاه به ترکیه نظر دارد و چارچک سردگمی در سیاست خارجی شده است. ایران جمهوری اسلامی ایران با بازیگران نااهمگون و منافع گوناگون و متضاد و گاه روابط شکننده، مواجه شده است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران درنگه به مرزهای شمالی آسیای مرکزی بر ترکمنستان به عنوان حایل بین ایران و این منطقه، دریای خزر و قفقاز، نیازمند دواندیشی، بازیگری و تمرکز بر تهدیدات و فرصت هاست. بهبود روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان در دوره پس از بازپس گیری قره باغ، کارکرد اندیشمندانه ای داشته است که نیاز به تعمق بیشتر و درایت و بازمبنی دارد. جمهوری آذربایجان را نباید کم اهمیت دانست، بازیگری است مرموز و زیرک. آنها اهداف بلندپروازانه ای دارند که می توانند به کاهش نفوذ ایران در منطقه قفقاز منجر شود. جمهوری آذربایجان با پشتیبانی ترکیه، نگاه آوانیستی نسبت به ارمنستان دارند و درصدد حذف این بازیگر دمدمی مزاج و مستاصل در فضای سیاسی - اقتصادی هستند که در نهایت به زیان روابط مستحکم ایران ارمنستان است.

چه کسی گرای مستشاران ایرانی را به اسرائیل می دهد؟

پس از آنکه خبرگزاری های داخلی کشور، شهادت ۵ مقام نظامی ایران در سوریه را تایید کردند، تلویزیون دولتی سوریه نیز گزارش داد که این حمله در محله مزه در غرب دمشق رخ داده است. یک خواربار فروش به آسوشیتد پرس گفت که در حدود ساعت ۱۵: ۹ دقیقه صبح، صدای انفجار متوالی را در ساختمان محل استقرار نیروهای جمهوری اسلامی ایران شنیده است. تعداد حملات اخیر به مستشاران ایرانی در سوریه و شهادت برخی از آنها، احتمال وجود یک گرای قوی و اطلاعاتی را در میان اهالی رسانه، صاحب نظران و کارشناسان امنیتی ایران تقویت کرد. سردار کوثری، عضو

کمیسیون امنیت ملی مجلس در این باره گفت: «عوامل جاسوس در دمشق باید دستگیر شوند.» اما برخی از کاربران در شبکه های اجتماعی انگشت اتهام را به سمت روسیه نشانه رفتند. علی قلهکی فعال رسانه ای اصولگرا در این خصوص نوشت: اکثر یادفندهای سوریه در اختیار کدام کشور است؟ آیا امروز هم مانند روز شهادت سید رضی پدافند اس ۴۰۰ خاموش بود؟ سید صادق حسینی دیگر فعال رسانه ای اصولگرا هم گفت: از وقتی حضور روس ها در سوریه افزایش یافته و تثبیت شده، شاهد افزایش حملات هوایی رژیم اشغالگر علیه نیروهای ایرانی هستیم. هماهنگی اسرائیل و روسیه در سوریه، موضوع

چندان پنهانی نیست. براساس مدعای بلومبرگ، اسرائیل در حملات خود به سوریه برای هماهنگی با روسیه یک «مکانیزم عدم تعارض» ایجاد کرده است. به نوشته همین رسانه، مقامات سفارت روسیه در اسرائیل اظهار کردند: «مقامات نظامی ما (روسیه) مسائل عملی این مکانیزم را به صورت عملی هر روز مورد بحث قرار می دهند. این مکانیزم ثابت کرده که مفید است و به کار خود ادامه خواهد داد.» اندیشکده آمریکایی شورای آتلانتیک: دلیل عدم تمایل اسرائیل برای کمک به اوکراین در زمان یائیر لاپید و در حال حاضر توسط بنیامین نتانیاهو، را ملاحظات اسرائیل در سوریه و توافقات با روسیه در این زمینه، عنوان کرد.